گونه شناسی روایات اهل بیت علیهم‌السلام در قصص قرآن (تفسیر، تأویل و تدبر)
حسین مرادی زنجانی / سید محمد رضوی / نویسنده مسئول: جلال الدین محمودی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۸۵-۹۹

گونه‌شناسی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در قصص قرآن (تفسیر، تأویل و تدبر)

حسین مرادی زنجانی[۱] / سید محمد رضوی[۲] / نویسنده مسئول: جلال الدین محمودی[۳]

چکیده: این مقاله به گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام درباره قصص قرآن می‌پردازد؛ موضوعی که تاکنون به‌طور مستقل بررسی نشده است. اهل‌بیت علیهم‌السلام در مواجهه با قصص قرآن رویکردهای متنوعی داشته‌اند: گاه به شرح و پرده‌گشایی از ظواهر الفاظ پرداخته‌اند، گاه با تأویل به عمق و باطن قصص اشاره کرده‌اند و گاه بدون قصد تفسیر یا تأویل، نکات لطیف و آموزنده‌ای از این آیات برداشت کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش اکتشافی ـ تحلیلی سه دسته اصلی روایات را شناسایی می‌کند: تفسیری، تدبری و تأویلی. در روایات تفسیری گونه‌هایی چون ترسیم فضای نزول، ایضاح الفاظ و مفاهیم، بیان علت احکام و تنزیه انبیا مطرح است. در روایات تدبری، توجه به ساختار زبانی، سیره اهل‌بیت، مفاهیم اعتقادی، جایگاه امامت، نکات اخلاقی و احکام فقهی برجسته می‌شود. در روایات تأویلی نیز بیان باطن آیات، تعیین مصادیق، تأویل قصص به اهل‌بیت و حضرت قائم علیه‌السلام دیده می‌شود. در پایان، پیشنهادهایی برای تقویت فرهنگ انس و تدبر در قرآن ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت علیهم‌السلام، قصص قرآن، گونه‌های تفسیری، گونه‌های تأویلی، گونه‌های تدبری.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵.

۱. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.
hossein.moradi@srbiau.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.
mohammad.razavi@srbiau.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.
.Ja.mahmoudi@iau.ac.ir

۱. بیان مسأله:

قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، مجموعه‌ای از آموزه‌ها، دستورالعمل‌ها و قصص انبیاء را در خود جای داده که فهم درست و عمیق آن، به‌ویژه قصص قرآن، همواره موضوعی اساسی در علوم قرآنی و تفسیر به شمار می‌رود. قصص قرآن علاوه بر نقشی که در آموزش مسائل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری دارد، حامل پیام‌ها و حکمت‌های بلند الهی است که شناخت دقیق آن‌ها می‌تواند راهگشای شناخت کامل‌تر معارف دینی باشد.

از سوی دیگر، تفسیر قرآن نزد اهل‌بیت علیهم‌السلام، به عنوان مفسران معصوم و وارثان علم نبوی، دارای جایگاهی ویژه است. این بزرگواران با بهره‌مندی از عصمت و علم الهی، تفسیرهایی ارائه کرده‌اند که صرفاً شرح ظاهری آیات نیست، بلکه شامل برداشت‌های عمیق با روش‌های مختلف و متنوعی است که به فهم چندسطحی و چندلایه قرآن می‌انجامد. با این حال، علی‌رغم اهمیت بالای این روایات تفسیری، پژوهش‌های ساختاری و نظام‌مند درباره گونه‌ها، روش‌ها و الگوهای تفسیری اهل‌بیت در زمینه قصص قرآن به اندازه کافی انجام نشده است.

یکی از چالش‌های اصلی در این حوزه، نبود چارچوب منسجم برای دسته‌بندی و تحلیل این روایات است که باعث می‌شود بسیاری از ابعاد و ظرفیت‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام به خوبی شناخته نشود. همچنین، مسئله تأویل یعنی کشف معانی باطنی، رمزی و پیشگویانه قرآن، که در رویکرد معصومان علیهم‌السلام جایگاهی کلیدی دارد، نیازمند بررسی دقیق‌تر و علمی است تا الگوهای تأویل آنان به‌صورت جامع و نظام‌مند استخراج شده و در مسیر فهم و تدبر قرآنی قرار گیرد. بنابراین، مسئله اصلی در این تحقیق، پاسخ به این پرسش است که: «چه گونه‌هایی از روایات تفسیری، تأویلی و تدبری از اهل‌بیت علیهم‌السلام در خصوص قصص قرآن وجود دارد و دسته‌بندی این روایات چگونه به فهم عمیق‌تر و الگوسازی جهت تدبر آیات قرآنی کمک می‌کنند و آیا راهکاری در جهت بهبود و ارتقای فرهنگ انس و تدبر وجود دارد؟»

۲. تدبر در لغت و اصطلاح

تدبّر واژه‌ای مشتق از «دبر» است که مقابل «قبل» قرار دارد. (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج۵، ص۵۵؛ راغب، بی‌تا، ج۱، ص۳۰۶) در زبان فارسی، «دبر» به معنای دنبال، دنباله، پشت، عقب، آخر، آینده، غایب و پس از هر چیزی آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۷، ص۱۰۴) بنابراین، تدبّر به معنی اکتفا نکردن به آغاز و ظاهر چیزی، بلکه دنبال کردن ادامه، آخر و عاقبت آن و جست‌وجوی ماورای آن است.

برخی از مؤلفه‌های معنایی تدبّر که در آثار پژوهشگران آمده است، عبارت‌اند از: تأمل و تدقیق در الفاظ و معانی و بررسی آن‌ها، (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج۲، ص۸۷) اندیشیدن به آیه‌ای پشت سر آیه دیگر، (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲۰، ص۵) پیگیری پیوسته آیات و تأمل در ارتباطات بین آن‌ها، (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۵، ص۲۶) قرار دادن یک کلمه پشت سر کلمه دیگر به‌منظور تبیین قرآن به وسیله قرآن، (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ج۱۰، ص۵۰۹) توقف نکردن در برابر معانی ظاهری و وقایع و تلاش برای شناخت ماورای آن‌ها، (مدرسی، ۱۴۱۹، ج۶، ص۳۳۸) شنیدن قرآن با دقت و توجه کامل، (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج۳، ص۱۰۱) اندیشیدن به اهداف و مقاصد کلام، (مراغی، بی‌تا، ص۱۰۳) طلب هدایت و کشف دلالت‌های قرآن، (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۵۷) استخراج معانی ژرف قرآن از طریق غور و استنباط. (قشیری، بی‌تا، ج۱، ص۳۵) تدبّر همچنین به معنای تحقق مفهوم تدبیر و انتخاب و تأمل در پیام‌های دارای عاقبت‌داری قرآن و دستیابی به این معانی در متن قرآن است. (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ج۶، ص۱۰۲)

۳. فرق تفسیر و تدبر

تفاوت تفسیر و تدبّر در قرآن به‌طور کلی در چند نکته مهم خلاصه می‌شود: اول اینکه تفسیر یک علم تخصصی است که به شرح، توضیح، حل ابهامات، بیان مصادیق و تبیین مباحث مختلف آیات می‌پردازد و برای ورود به آن نیازمند دانش و مهارت بالا در علوم ادبی، بلاغی و روایی است؛ بنابراین تنها عده‌ای متخصص می‌توانند به تفسیر دقیق قرآن بپردازند. اما تدبّر، فرآیندی همگانی‌تر و در دسترس همه افراد با درجات مختلف علمی و معنوی است که مستلزم تفکر عمیق درباره آیات، تأمل در پیام‌ها، نکته‌گیری و دریافت

لطایف آن‌هاست بدون آنکه نیاز باشد فرد متخصص باشد.

دوم اینکه تفسیر بیشتر به ظاهر الفاظ و معانی ظاهری آیات می‌پردازد، جزئیات و ابهامات را روشن می‌کند و مسائل و احکام قرآنی را تشریح می‌نماید، در حالی که تدبر به ژرف‌نگری و استنباط نتایج، پیامدها و معانی باطنی آیات توجه دارد و به خود شخص مخاطب قرآن کمک می‌کند تا آیات را در زندگی خود جاری سازد.

در برخی احادیث معصومان علیهم‌السلام مشاهده می‌شود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام نه صرفاً با تکیه بر عصمت یا علم شخصی، بلکه با دقت و تدبر در واژگان و جملات قرآن، برداشت‌های دقیق و ظریفی ارائه کرده‌اند. این برداشت‌ها روش‌های نوینی را در فهم قرآن پیش روی پیروان نهاده و حتی آنان را به تدبر و دقت عمیق در آیات فراخوانده‌اند؛ گاهی با عبارات پرسشی و تأکیدی مانند «آیا این آیه را نخوانده‌ای؟!» یا «نمی‌فهمی خداوند این را گفته است؟!»، آنان را به چالش کشیده‌اند. در واقع قرآن منبعی برای استدراک، استنتاج، استفهام یا استدلال معصوم علیه‌السلام بوده است. این دسته از روایات که در واقع نمونه‌هایی از تدبر اهل‌بیت علیهم‌السلام در قرآن هستند، به عنوان الگویی برجسته برای مطالعه و تعمق در متن قرآنی شناخته می‌شوند و اهمیت ویژه‌ای در توسعه روش‌شناسی تدبر دارند. بازشناسی و بررسی این نوع احادیث، مسیر فهم ژرف‌تر و کاربردی‌تری از قرآن را فراهم می‌سازد که فراتر از شرح ظاهری آیات و تأویل‌های رایج است و به روشی عمیق و دقیق برای فهم قرآن تبدیل می‌گردد.

۴. گونه‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام از قصص قرآن

گونه‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام از قصص قرآن با توجه به کارکرد روایات تفسیری مشخص می‌شود. در هر یک از این گونه‌ها معصوم علیه‌السلام سعی در پرده‌گشایی و زدودن ابهامات از آیات دارند و با ارائه توضیحات، غرض اصلی آیه را تبیین می‌کنند.

۴-۱. ترسیم فضای نزول

روایات تفسیری در مورد قصص قرآن نقش مهمی در ترسیم فضای نزول آیات دارند و به فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر مفاهیم و پیام‌های قرآن کمک می‌کنند. این روایات با بیان

اسباب و شأن نزول، شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان نزول آیات قصص را روشن می‌سازند و فضای کلی حاکم بر آن دوره را ترسیم می‌کنند.

در حدیثی که از علی‌بن‌ابراهیم (ره) نقل شده و درباره آیات موسی علیه‌السلام و فرعون است (آل‌عمران/۶۴)، فضای نزول به‌خوبی ترسیم شده است. این فضا سرشار از ظلم و ستم فرعون است که بر زمین چیره شده و مردم را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده، گروهی را ضعیف و مستضعف ساخته، پسرانشان را می‌کشد و زنانشان را زنده نگه می‌دارد. این تصویر فضای پر از ترس، ناامنی و فشار شدید بر بنی‌اسرائیل را نشان می‌دهد. (قمی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۲۴، ص۱۲۸)

۴-۲. ایضاح الفاظ قرآن

ایضاح در زبان فارسی به معنای روشن کردن، توضیح دادن و شفاف‌سازی است. وقتی می‌گوییم «ایضاح لفظ»، منظور این است که معنای یک کلمه یا عبارت به‌صورت واضح و دقیق توضیح داده شود تا ابهامی باقی نماند. ایضاح لفظ با بیان وجه تسمیه الفاظ، شرح معانی الفاظ، تعیین مراد از الفاظ و بیان مفردات انجام شده است که به جهت اختصار به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به پرسش درباره علت نامیدن «حواریون» فرمودند: «که نزد مردم عادی، این نام به این دلیل به آنان داده شده که گمان می‌کردند حواریون شغل لباس‌شویی داشتند و لباس‌ها را از چرک پاک می‌کردند؛ واژه «حواری» از «الحُوَّار» به معنای نان سفید و پاک گرفته شده است». از نظر امام رضا علیه‌السلام، علت اصلی این نام‌گذاری این است که حواریون خود را از آلودگی گناهان پاک و خالص کرده بودند و برای پاک کردن دیگران نیز با موعظه و تذکر تلاش می‌کردند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج۸، ص۲۸۸)

۲. امام صادق علیه‌السلام در بیان معنی «فتی» فرمودند که اصحاب کهف در واقع میانسال بودند، اما خداوند به‌خاطر ایمان و تقوای آن‌ها آن‌ها را «فتی» نامیده است. بنابراین، «فتی» به معنای کسی است که به خدا ایمان دارد و تقوای الهی را پیشه کرده است، نه صرفاً کسی که جوان است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۴، ص۴۲۸)

۳.۴. ایضاح مفاهیم

در روایات تفسیری قرآن به ایضاح مفهوم پرداخته شده است و این یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام محسوب می‌شود. ایضاح مفهوم به معنای توضیح و تبیین نسبت‌ها و معانی عبارات و جملات در آیات قرآن است، به‌طوری که ارتباط میان اجزای مختلف آیه یا آیات روشن شود و فهم دقیق‌تری از مقصود خداوند فراهم گردد. این بیان مفهوم به چند طریق انجام شده است. بدین معنی که اهل‌بیت علیهم‌السلام با استفاده از قیاس، شباهت، دسته‌بندی، بیان مصداق و شرح جزئیات تاریخی به بیان یک مفهوم دینی، اعتقادی یا اخلاقی پرداخته‌اند.

۱. امام کاظم علیه‌السلام در حدیثی با مقایسه شخصی که ایمانش محکم نیست با ابراهیم علیه‌السلام می‌فرمایند: «حضرت ابراهیم علیه‌السلام مؤمن واقعی بود و ایمانش را داشت، اما خواست ایمانش را افزون کند و به‌دنبال دلیل و معجزه‌ای بود تا یقینش را کامل‌تر سازد. یعنی ابراهیم علیه‌السلام در ایمان خود شک نداشت، بلکه می‌خواست آن را تقویت کند و استحکام بخشد، اما در مقابل، فردی است که در حالت شک و تردید است؛ یعنی هنوز یقین نیافته و در هر خیری شک می‌کند». (کلینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۳۹۹)

۲. در حدیثی که از امام هادی علیه‌السلام نقل شده، ایشان به شباهت‌ها و ارتباط ویژه‌ای میان جایگاه و نقش آصف‌بن‌برخیا و حضرت سلیمان علیه‌السلام اشاره می‌کنند. ایشان این شباهت را به‌گونه‌ای تبیین می‌کنند که همان‌طور که خداوند در زمان حیات داوود علیه‌السلام حضرت سلیمان را با امامت و نبوتش آشنا کرد تا مردم به جایگاه او واقف شوند، به‌همان ترتیب علم و حجت نزد آصف نهاده شده تا مردم پس از سلیمان دچار اختلاف نشوند و راهنمایی و امامت به‌درستی حفظ شود. (مفید، ۱۴۱۳، ص۶۶؛ مجلسی، ۱۳۶۵، ج۱۴، ص۱۲۷)

۳. امام صادق علیه‌السلام پیامبران و رسولان را به چهار طبقه تقسیم می‌کنند که هر طبقه ویژگی‌ها و مأموریت‌های خاص خود را دارد. در این تقسیم‌بندی، نخست پیامبری است که فقط برای خودش پیامبر است. طبقه دوم پیامبری است که در خواب پیام‌هایی می‌بیند و صدای فرشته یا وحی را می‌شنود، ولی در حالت بیداری فرشته را نمی‌بیند و به‌سوی هیچ

قومی یا گروهی فرستاده نشده است. در طبقه سوم، پیامبری قرار دارد که علاوه بر دیدن خواب و شنیدن صدا، در بیداری فرشته را نیز مشاهده می‌کند و به‌سوی گروهی از مردم، خواه کم یا زیاد، فرستاده شده است. طبقه چهارم پیامبری است که همه ویژگی‌های قبلی را دارد؛ یعنی در خواب می‌بیند، صدا را می‌شنود، فرشته را در بیداری مشاهده می‌کند و علاوه بر پیامبری، امام و پیشوا نیز هست. (کلینی، ۱۳۶۵، ج۱، ص۱۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۱، ص۵۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص۳۷۳)

۴.۴. بیان علت احکام و حکمت الهی

دسته‌ای روایات تفسیری شیعه به بیان حکمت امور و دلیل احکام پرداخته‌اند و این یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری است. در این روایات، علاوه بر تبیین معنای ظاهری آیات، به شرح فلسفه، حکمت و علت تشریع احکام و دستورات الهی نیز توجه شده است. اهل‌بیت علیهم‌السلام در روایات تفسیری خود به بیان حکمت امور و دلیل احکام به‌ویژه در مورد قصص قرآن پرداخته‌اند.

امام رضا علیه‌السلام درباره علت تفاوت معجزات پیامبران، بیان می‌کنند که هر پیامبر با معجزاتی مبعوث شده است که متناسب با شرایط زمانه و نیازهای مردم آن دوره بوده است. ایشان به بیان شرایط اجتماعی دوران موسی علیه‌السلام، عیسی علیه‌السلام و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پردازند و از نظر ایشان تنوع معجزات، نشان‌دهنده حکمت الهی است که معجزه هر پیامبر را متناسب با مقتضیات زمانی و نیازهای جامعه آن زمان قرار داده است تا حجت بر مردم تمام شود و راه هدایت برای آنان روشن گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۱، ص۷۰)

۵.۴. تنزیه الانبیاء

امامان معصوم علیهم‌السلام احادیثی درباره تنزیه و عصمت انبیا داشته‌اند. آن‌ها پیامبران را معصوم و خالی از هرگونه گناه می‌دانند، چه گناهان کبیره و چه صغیره، پیش از نبوت و پس از آن. در کتب کلامی مانند «تنزیه الانبیاء» نوشته سید مرتضی علم‌الهدی (۴۳۶ق)، مباحث مفصل و مستندی درباره اثبات عصمت پیامبران و امامان با نقل روایات و احادیث آمده است.

۵. گونه‌های تدبری معصومان علیهم‌السلام در قصص قرآن

گونه‌های تدبری معصومان علیهم‌السلام با توجه به گونه‌های برداشت ایشان از آیات قصص قرآن دسته‌بندی می‌شوند. هدف اصلی معصوم علیه‌السلام در این موارد برداشت از آیات است هرچند ممکن است این برداشت یا تدبر در خدمت تفسیر آیات باشد؛ که همان تفسیر آیه به آیه است. به‌هرترتیب در این گونه‌ها آیات قصص قرآن مبنایی برای استدراک، استفهام، استنتاج یا استدلال معصوم علیه‌السلام بوده است و امام علیه‌السلام از درون آیه مطلب جدیدی را استخراج نموده‌اند.

۱.۵. تدبر در ساختار زبانی و نکات ادبی آیات

اهل‌بیت علیهم‌السلام با تدبر در آیات قرآن به نکات ظریف ساختار زبانی و ویژگی‌های ادبی آیات پرداخته‌اند. آن بزرگواران با دقت و تأمل در واژگان، ترتیب کلمات، نکته‌یابی از تقدم و تأخر آیات و آشنایی با هنرمندی‌های زبان قرآن، معانی لطیف و دقایق آموزه‌های الهی را کشف و به مردم منتقل نموده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال درباره اینکه آیا حج قبل از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام می‌شد، فرمودند: «بلی، این موضوع در قرآن نیز تصدیق شده است، هنگامی‌که شعیب علیه‌السلام به موسی علیه‌السلام گفت: «حَيْثُ تَزَوَّجَ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ» و نگفت هشت سال (ثَمَانِيَ سِنِينَ)؛ یعنی مدت را با حج بیان کرد نه سال.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۶، ص۹۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۶۰)

۲.۵. تدبر در راستای تبیین سیره و سنن اهل‌بیت علیهم‌السلام

معصومان علیهم‌السلام در تبیین سیره و سنن خود، بارها به آیات قرآن ارجاع داده و رفتار و گفتار خود و خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را با آیات کریمه تطبیق و تفسیر کرده‌اند. این ارجاعات به آیات نشان‌دهنده اهمیت قرآن به‌عنوان منبع اصلی هدایت و شاخص تشخیص راه صحیح در سیره معصومان علیهم‌السلام بوده است. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام به عبدالله‌بن‌زراره می‌فرمایند «من به‌خاطر دفاع از جان پدرت، از او عیب‌جویی می‌کنم تا شرّ دشمنان که

به‌خاطر دوستی با ما او را آزار می‌دهند، از او دفع شود»؛ ایشان با اشاره به داستان سوراخ کردن کشتی توسط خضر توضیح می‌دهند که کشتی در واقع عیب نداشت، اما بیان عیب به‌خاطر حفظ آن از دست پادشاه ظالم بود تا کشتی سالم بماند و نابود نشود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۳، ص۱۵۸) و امام رضا علیه‌السلام در بیان علت پذیرش ولایتعهدی مأمون به پذیرش حکومت از طرف یوسف علیه‌السلام اشاره می‌کنند. (صدوق، ۱۳۷۲ش، ج۲، ص۱۳۹)

۳.۵. تدبر در موضوعات اعتقادی و کلامی

اهل‌بیت علیهم‌السلام در موضوعات اعتقادی و مفاهیم کلامی نیز از قصص قرآن بهره جسته‌اند. از نظر ایشان قصص قرآن بستر مناسبی برای بیان مفاهیم عمیق اعتقادی و کلامی بوده است. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام در تدبر آیات «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (ص/۸۳) و «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل/۹۹) می‌فرمایند که شیطان ممکن است بر بدن مؤمنان تسلط پیدا کند، همان‌گونه که بر بدن حضرت ایوب علیه‌السلام تسلط یافت و ظاهر او را دگرگون کرد، اما هرگز بر دین و ایمان آن‌ها چیره نمی‌شود. این بدان معناست که آسیب‌ها و مشکلات جسمی و ظاهری ممکن است به مؤمنان وارد شود، اما ایمان و دین آن‌ها محفوظ و پایدار می‌ماند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج۸، ص۲۸۸)

۴.۵. تبیین جایگاه امامت و ولایت با استدلال به آیات قصص قرآن

معصومان علیهم‌السلام به تبیین جایگاه امامت و ولایت با استناد به قصص قرآن پرداخته‌اند. قصص قرآن که شامل داستان‌های پیامبران و اوضاع تاریخی مربوط به آن‌هاست، به‌عنوان یک منبع غنی در دست معصومان علیهم‌السلام بوده و آن‌ها از این قصص برای شرح و تبیین مفاهیم اعتقادی ویژه به‌ویژه امامت و ولایت بهره برده‌اند. امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: «همان‌طور که عیسی علیه‌السلام به‌واسطه مادرش مریم علیهاالسلام جزء ذریه انبیاء است، ما نیز به‌واسطه مادرمان فاطمه علیهاالسلام جزء ذریه انبیاء به‌شمار می‌آییم، نه از طرف پدرمان علی علیه‌السلام». (طبرسی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۳۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۸، ص۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص۵۶؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج۱، ص۸۳)

۵.۵. استخراج نکات اخلاقی از قصص

اهل‌بیت علیهم‌السلام با تأمل و تدبر در قصص قرآن به نکات و آموزه‌های اخلاقی اشاره کرده‌اند. ایشان اخلاق را از مهم‌ترین اهداف قرآن می‌دانستند. امام صادق علیه‌السلام از داستان درخواست ابراهیم علیه‌السلام برای دیدن احیاء مردگان می‌فرمایند: «حضرت ابراهیم علیه‌السلام با وجود ایمان قوی به خداوند، درخواست می‌کند که به او نشان داده شود چگونه مردگان زنده می‌شوند تا قلبش آرام گیرد و اطمینان بیشتری پیدا کند؛ به‌همین جهت اگر کسی را دوست داریم، باید محبت خود را به او ابراز کنیم تا آن شخص از این محبت آگاه شود و دلش آرام گیرد». (کلینی، ۱۳۶۵، ج۲، ص۶۴۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۲، ص۵۴)

۶.۵. تدبر در قرآن و استنباط احکام فقهی

امامان معصوم علیهم‌السلام با دقت‌نظر در آیات قرآن به استنباط احکام فقهی پرداخته‌اند. برای مثال امام باقر علیه‌السلام بیان می‌کنند که حضرت مریم تا بلوغ زنانه در مسجد بود و پس از آن از مسجد خارج شد. این واقعیت نشان می‌دهد که حضرت مریم نمی‌توانست نمازهای گذشته را قضا کند، زیرا اگر قضا واجب بود، می‌بایست تمام عمر در مسجد می‌ماند تا نمازهای گذشته را به‌جا آورد. ایشان این داستان را دلیل بر عدم وجوب قضا کردن نماز برای زن حائض می‌داند و به این ترتیب حکم شرعی را روشن می‌کند که زن در ایام حیض نیازی به قضا کردن نماز ندارد. (صدوق، بی‌تا، ج۲، ص۵۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۷۸، ص۸۴)

۷.۵. استخراج حکمت‌های الهی با تدبر در آیات

بیان حکمت‌های الهی از قصص قرآن از دیگر مواردی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام به آن پرداختند. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به برخی زندیقانی که به لغزش‌های پیامبران اشاره می‌کردند، فرمودند: «خداوند برخی لغزش‌ها و ضعف‌های پیامبران را آشکار کرده است؛ مانند اینکه حضرت یونس علیه‌السلام در شکم ماهی حبس شده و یا اینکه حضرت ابراهیم علیه‌السلام زمانی ستاره، ماه و خورشید را پرستیده است. این آشکارسازی لغزش‌های

پیامبران، از نشانه‌های حکمت نورانی، قدرت غالب و عزت آشکار خداوند است». ایشان توضیح می‌دهند که خداوند این لغزش‌ها را بیان کرده تا مردم به کمال مطلق خداوند پی ببرند و بدانند که پیامبران نیز انسان‌هایی محدود و در معرض خطا بوده‌اند، و این باعث جلوگیری از پرستش و الوهیت پیامبران می‌شود، همان‌طور که برخی از نصاری فرزند مریم را معبود خود قرار دادند. (طبرسی، ج۱، ص۲۴۵)

۶. گونه‌های تأویلی معصومان علیهم‌السلام از قصص قرآن

گونه‌های تأویلی معصومان علیهم‌السلام مواردی است که از ظاهر آیه پنهان است و معصوم علیه‌السلام به‌عنوان اصلی‌ترین مخاطب قرآن، جواز بیان آن را دارد. به‌عبارت دیگر گونه‌های تأویلی برخلاف الگوهای تفسیری و تدبری، الگویی برای غیر معصوم نیست و هدف از گونه‌شناسی آن فهم و شناخت بهتر روایات تأویلی است.

۱.۶. تأویل باطن آیه

در روایات متعددی آمده است که آیات قرآن کریم علاوه بر معنای ظاهری، دارای معانی عمیق باطنی است که فهم و درک آن برای همه ممکن نیست و تنها کسانی که به «راسخان در علم» معروف‌اند، به این علوم دسترسی دارند. اصل وجود بطن برای قرآن مورد اتفاق تمامی مسلمانان، اعم از خاص و عام، قرار گرفته و روایات فراوانی که به‌صورت تواتر معنوی نقل شده‌اند، بر این مطلب دلالت دارند. گروهی از دانشمندان شیعه بطن را فراتر از تأویل می‌دانند. (نجارزادگان، ۱۳۹۱ش، ص۷۰)

امام صادق علیه‌السلام، مفضل از ایشان درباره آیه قرآن «أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف، ۹۷) پرسید. امام فرمودند که منظور از «رَدْم» در این آیه همان «تقیّه» است؛ یعنی پرهیز و محافظت مخفیانه‌ای که مؤمنان را از خطر دشمنان خدا حفظ می‌کند. ایشان توضیح دادند که عبارت «مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» یعنی اگر تقیّه به‌درستی انجام شود، هیچ‌کس نمی‌تواند به مؤمنان نفوذ کند یا بر آن‌ها چیره شود. تقیّه، مانند یک قلعه مستحکم و حصار محکم است که سدّی میان مؤمنان و

دشمنان خدا ایجاد می‌کند و دشمنان توان عبور از آن را ندارند. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۳۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۲، ص۲۰۷)

۲.۶. تأویل بیان مصداق آیه

بخشی از روایات تأویلی برای معین کردن مصادیق غیرظاهری از آیات صادر شده است. این روایات برای الفاظ و عباراتی که در آیه مطرح شده است، مصادیق جدیدی را معرفی می‌نماید که در ظاهر از کلام فهمیده نمی‌شود. اما بیان این مصادیق به دو شیوه است. گاهی این الفاظ عام که قابلیت صدق بر افراد کثیر را دارد به مصادیق عام غیرظاهری تأویل می‌شوند و گاهی این الفاظ عام بر مصادیق خاص غیرظاهری تأویل می‌گردند. امام علی علیه‌السلام خود را ذوالقرنین معرفی می‌کند و می‌فرماید: «من معلّم سلیمان‌بن‌داود علیه‌السلام هستم، من «ذوالقرنین» و مظهر قدرت خداوند عزّوجلّ هستم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۲۶، ص۶)

۳.۶. تأویل برای توجیه اخبار گذشته

برخی از روایات اشاره به تأویل وقایعی در گذشته می‌پردازد که در جهت توجیه وقایع گذشته است. به‌عبارت دیگر، این روایات تطبیق آیات قرآن به افراد و حوادث واقعی در گذشته است که به‌دلیل عدم اطلاع عمومی مخاطبان قرآن، این تطبیق‌ها به‌صورت ظاهری قابل پذیرش نبود. بنابراین، حضرات معصومان علیهم‌السلام خود به بیان این تطبیقات و تأویل‌ها پرداخته‌اند تا حقایق پنهان آیات روشن و شناخته شود. آن‌ها با این کار، معانی عمیق و واقعی آیات قرآن را آشکار کرده‌اند؛ معانی‌ای که در ظاهر آیات به‌سادگی قابل‌فهم نیستند و بدون این تأویل‌ها ممکن بود موجب انحراف یا سوءبرداشت شود.

در روایتی نقل شده از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر «انی سقیم» (صافات/۸۹) آمده، حضرت ابراهیم علیه‌السلام نگاهی به آسمان‌ها انداخت و مصائب امام حسین علیه‌السلام را دید؛ سپس فرمود: «من به‌خاطر آنچه بر سر امام حسین می‌رود، بیمار هستم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۴، ص۲۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج۱، ص۴۶۵)

۴.۶. تأویل برای اِخبار از آینده

در برخی روایات آمده است که تأویل آیات قرآن گاه بر رویدادهای گذشته تطبیق داده شده است و در برخی موارد نیز مصادیق مربوط به حوادث آینده را معرفی کرده‌اند. همچنین در برخی موارد، تأویل‌ها به حوادث زمان حال نیز ارجاع داده شده‌اند. به‌عبارت دیگر، برخی از آیات قرآن قبلاً به‌طور دقیق تأویل شده‌اند و مصداق‌شان مشخص گردیده است، ولی برخی دیگر هنوز به‌طور کامل محقق نشده‌اند و مانند خورشید و ماه که به‌تدریج کم و زیاد می‌شوند، تحقق آن‌ها نیز به‌تدریج خواهد بود. هر مقدار دانشی که بیاید باعث تحقق آن آیه می‌شود. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۱، ص۱۱)

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۸۰ سوره هود درباره جمله «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» فرمودند: «حضرت لوط علیه‌السلام این جمله را تنها به‌این دلیل گفته است که در آرزوی داشتن توان و قدرت حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده است. منظور از «رُكْنٍ شَدِيدٍ» نیز همان قدرت و استواری یاران حضرت است؛ زیرا هر یک از اصحاب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به‌اندازه چهل مرد قوی قدرت دارند و قلب هر کدام از آنان از آهن محکم‌تر است». (قمی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۳۳۵)

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، گونه‌شناسی و تحلیل روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام که مرتبط با قصص قرآن است، به‌روشنی عمق و گستردگی فهم معصومان علیهم‌السلام از آیات قرآن را نشان می‌دهد. روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام در خصوص قصص قرآن در شش دسته کلی سامان یافته‌اند: ترسیم فضای نزول، ایضاح الفاظ، ایضاح مفاهیم، بیان مصداق، بیان علت احکام و حکمت الهی، و تنزیه انبیاء. ایضاح الفاظ و مفاهیم با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند قیاس، دسته‌بندی، و تبیین زمینه‌های تاریخی، به آموزش و تحلیل دقیق‌تر آیات کمک شایانی کرده است.

تدبر در قرآن و به‌ویژه قصص آن از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام یک فرایند چندسطحی و چندوجهی است؛ که شامل توجه به ساختار زبانی، نکات ادبی، سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام،

مفاهیم اعتقادی و کلامی، جایگاه امامت و ولایت، تحلیل‌های اخلاقی، استنباط احکام فقهی و استخراج حکمت‌های الهی می‌شود. علاوه بر این، ارتباط قصص با دعا و معنویت در سیره اهل‌بیت تأکید می‌شود. این رویکرد جامع، روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام را منبعی ارزشمند و بی‌نظیر برای فهم ژرف قرآن و تقویت تدبر عملی ارائه می‌دهد.

تأویل آیات قرآن نزد معصومان علیهم‌السلام ابعادی فراتر از تفسیر ظاهری دارد؛ شامل فهم باطن، رمزهای نهفته، بیان مصداق خاص، توجیه اخبار گذشته و اشاره به حوادث آینده است. این تأویلات، بیانگر برخورد چندسطحی و پویا با قصص قرآن است که ضمن توجه به ظاهر، معناهای عمیق و رمزی و پیشگویی‌های آیات را نیز در بر می‌گیرد. این رویکرد تأویلی موجب درک کاربردی، دقیق و جامع‌تر قرآن می‌شود.

این مقاله به‌وضوح تفاوت و تمایز بین گونه‌های تفسیری و تأویلی در میراث تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمینه قصص قرآن را نشان داد و این تحقیق برای کل قرآن قابل ارائه می‌باشد. به نظر نگارنده اگر متخصصان و مؤلفان علوم قرآن و حدیث سرفصل‌های مستقلی برای «روایات تفسیری»، «روایات تأویلی» و «روایات تدبری» در فرهنگ تخصصی علوم قرآن و حدیث باز کنند؛ تمایز این گونه روایات اولاً در میان متخصصان و در مرحله بعد در فرهنگ عمومی جامعه، آشکارتر خواهد شد. شاید این فتح بابی در زمینه انس و تدبر بیشتر در قرآن باشد.

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰، بهار ۱۴۰۵

منابع

- **قرآن کریم**.
- ابن ابی‌حاتم، (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، عربستان: مکتبة نزار.
- ابن‌بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، (بی‌تا)، **علل الشرایع**، قم: دار الوری.
- **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، (۱۳۷۸ق)، تهران: انتشارات جهان.
- ابن‌فارس، احمد، (بی‌تا)، **معجم المقاییس اللغة** (به‌کوشش عبدالسلام محمد هارون)، قم: مکتب الاعلام الاسلامي.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۶ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- اصفهانی، راغب حسین بن محمد، (بی‌تا)، **معجم مفردات الفاظ الحدیث و القرآن**، بیروت: مرکز نشر الثقافة الاسلامیه.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ش)، **تسنیم**، تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، **الصحاح** - تاج اللغة و صحاح العربیة (به‌کوشش احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول)، بیروت: دار العلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷ش)، **لغت‌نامه** (زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی)، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، (بی‌تا)، **معجم مفردات الفاظ الحدیث و القرآن**، بیروت: مرکز نشر الثقافة الاسلامیه.
- سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین (علم‌الهدی)، (بی‌تا)، **تنزیه الأنبیاء و الأئمة** (ع)، قم: انتشارات شریف رضی.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، **البلاغ في تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: مؤلف.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات**، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹ق)، **مجمع البیان في تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان في تفسیر القرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، **تفسیر العیاشي** (به‌کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی)، تهران: المطبعة العلمیة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، قم: انتشارات هجرت.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (بی‌تا)، **لطایف الاشارات**، مصر: الهیئة المصریه العامه للکتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم**، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، **الکافي** (به‌کوشش علی‌اکبر غفاری، چاپ سوم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مراغی، احمد بن مصطفی، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۴۱۹ق)، **هدی القرآن**، تهران: دار محبّی الحسین.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، **بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الأطهار** (چاپ دوم)، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصطفوی، حسن، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الاختصاص**، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نجارزادگان، فتح‌الله، (۱۳۹۱ش)، **بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن** (چاپ سوم)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نیشابوری، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، **تفسیر غرائب القرآن و رغائب**، بیروت: دار الکتب العلمیه.